



مطرح شده، چارچوب پیشنهادی ارائه کرد: «اولاً باید صلاحیت‌های خاص دادستان را فراتر از صلاحیت‌های کلاسیک وی به صورت مضیق تفسیر کرد. امر استثنایی را باید به نحو مضیق تفسیر کنیم. ورود دادستانی در زمینه احیای حقوق عامه، یک حوزه استثنایی است. کل ارکان دولت و نهادهای دولتی مکلف به تضمین حقوق عمومی هستند».

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی یادآور شد: «در مقدمه توصیه‌نامه مصوب ۲۰۱۲ شورای اروپا در خصوص صلاحیت‌های غیرکیفری دادستان‌ها، بر لزوم پیش‌بینی اصول مشترک کشورهای عضو (۵۰ کشور) در خصوص صلاحیت‌های غیرکیفری دادستان تأکید شده است. صلاحیت دادستان در آن حوزه‌ها، تکمیلی و متمیمی است و نقش جایگزین را ایفا نمی‌کند. توصیه‌نامه مذکور مقرر داشته است که مأموریت دادستان‌ها در این حوزه باید دفاع از منافع عمومی، حمایت از حقوق بشر، آزادی‌های عمومی و حاکمیت قانون باشد. در قسمت اصول مشترک حاکم بر این قبیل صلاحیت‌ها، گفته شده است که صلاحیت یادشده باید به حکم قانون، روشن و مشخص باشد. اعمال صلاحیت‌های غیرکیفری دادستان باید با رعایت اصول قانونیت، عینیت، انصاف و شفافیت باشد. لزوم پیش‌بینی بودجه،

کشور، نهادهای متعدد، تکالیف مختلفی برای صیانت از حقوق عامه، از جمله طرح دعوا، بر عهده دارند. باوجود نهادهای مذکور و اقدام آن‌ها، چه نیازی به ورود دادستانی است؟ البته همان‌طور که نظارت بر مقام اداری لازم است، باید بر دادستان‌ها هم نظارت شود و آن‌ها پاسخگوی عملکرد خود باشند و اگر از عملکردشان خسارتی متوجه شخصی شود، باید جبران خسارت صورت گیرد».

دکتر نقره‌کار در پاسخ به سخنان دکتر بهادری جهرمی و دکتر آقایی طوق بیان کرد: «اصل بر تخصصی بودن وظایف محوله به نهادها و سازمان‌های دولتی است. دلیل ورود دادستان‌ها در این مورد، آن است که نهادهای مذکور باید به‌عنوان ضابط دادگستری، به مرجع قضایی گزارش‌های لازم را ارائه دهند. در این مسیر باید از ظرفیت نهادهای مدنی نیز استفاده کرد. برای مثال، هم‌اکنون ۶۰ نهاد حمایت از حقوق کودک وجود دارد که می‌توانند وظیفه گزارشگری به دادستان‌ها را انجام دهند».

ضوابط مستخرج از توصیه‌نامه شورای اروپا در خصوص صلاحیت‌های غیرکیفری دادستان

دکتر اسدالله یآوری با توجه به بحث‌های

کمی وجود داشت. به تدریج بر مأموریت‌ها و وظایف دولت و به دنبال آن، تعداد نهادهای دولتی افزوده شد. هم‌اکنون ۱۸ وزارتخانه در قوه مجریه و تعداد قابل‌توجهی نهاد دولتی در بدنه حاکمیت (قوای سه‌گانه و سایر نهادهای حکومتی) تشکیل شده است. فهرست وظایف دادستان باید محدود باشد. برای مثال، حفاظت از جنگل‌ها قبل از آنکه به دادستانی مربوط بشود، به سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع ارتباط می‌یابد».

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی تأکید کرد: «نهادهای کشور باید به صورت تخصصی در حوزه‌های مربوط به خود وارد عمل شوند. دادستان، زمان و تخصص لازم برای ورود در همه عرصه‌ها را ندارد. برای طرح دعاوی عمومی، برخی نهادها مسئولیت یافته‌اند. اگر آن‌ها به وظایف خود عمل نمی‌کنند، بحث دیگری است. نباید نهاد دیگری ایجاد کنیم و آن را مسئول (ناظر) انجام وظایف سایر نهادها قرار دهیم. این امر منتهی به دُوران نادرست مسئولیت‌ها و سرانجام، ناکارآمدی می‌شود. در دولت مدرن ابتدا باید جایگاه و وظایف دستگاه‌های دولتی مسئول در حوزه‌های مختلف را شناخت. پس نقطه عزیمت ما، ساختارهای موجود است».

دکتر بهادری در ادامه گفت: «در نظام اداری